

تجلی مفهوم رمز در هنر اسلامی بر اساس تئوری نشانه‌شناسی فرهنگی امبرتو اکو (مطالعه موردی: طلسم‌های ایرانی - اسلامی)

چکیده

نمادها و نشانه‌ها از اولین مفاهیمی هستند که بشر به علل مذهبی، سیاسی و اجتماعی از آن‌ها استفاده کرده است. این کاربرد علی رغم تحول در حیات بشر به نوعی تداوم یافته است و خود را در هنرها و صنایع مختلف منعکس ساخته است. در فرهنگ اسلامی نیز، نمادها و نشانه‌ها دارای اهمیت خاصی در انتقال مفاهیم بوده‌اند. هنر اسلامی گنجینه وسیعی از معانی عمیق عرفانی و حکمت الهی است که ریشه در بنیان‌های معنوی و الهی دارد. نقوش در آثار هنر اسلامی دروازه ورود به معارف باطنی روح و هستی راستین است که نگرش توحید به‌عنوان رکن اصلی اسلام را تقویت می‌نماید. اهمیت کاربرد نقوش در زیبایی‌شناسی آثار اسلامی در معانی نهفته و عمیقی است که بیانگر روح حاکم بر آثار هنری است. مطالعه گنجینه عظیم هنر اسلامی در بستر رویکردهای فلسفی و تعمق در جنبه درونی این هنر و زبان رمزگونه آن که حاوی بنیان‌هایی متافیزیکی و عرفانی بوده از اهمیت انکارناپذیری برخوردار است. در این پژوهش با استفاده از روش پژوهش کتابخانه‌ای و رویکردی توصیفی و تحلیلی سعی شده به مطالعه و بررسی معنای نمادین و لسان تمثیلی این هنر پرداخته شود. از آنجایی که گستره هنر اسلامی و تولیدات آن بسیار وسیع است، در پژوهش پیش رو تولیدات علوم غریبه و به‌طور اخص طلسم‌های ایرانی-اسلامی، که از حیث ارزش بصری و بُعد معنایی بسیار غنی هستند، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای آن که چارچوب نظری مشخصی برای تحلیل موضوع پیش رو داشته باشیم، این پژوهش بر اساس تئوری نشانه‌شناسی فرهنگی امبرتو اکو نشانه‌شناس سرشناس ایتالیایی، مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از انطباق نشانه‌شناسی امبرتو اکو درباره ریشه‌های فرهنگی بر نظام معنایی و نمادین در طلسم‌های اسلامی دارد.

اهداف پژوهش:

۱. ارائه مطالعه‌ای تحلیلی از مفهوم رمز در بستر کاربری‌های گوناگون تولیدات علوم غریبه.
۲. معرفی ریشه‌های فرهنگی مؤثر در فرآیند شکل‌گیری معنا و رمز بر اساس آراء نشانه‌شناسی امبرتو اکو.

سؤالات پژوهش:

۱. چه عوامل فرهنگی در شکل‌گیری نشانه‌ها و رمزها در هنر اسلامی نقش داشته‌اند؟
۲. چگونه می‌توان با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی اکو، نمود "رمز" را در آثار هنر ایرانی-اسلامی مورد مطالعه و تحلیل قرار داد؟

کلیدواژه‌ها: هنر اسلامی، مفهوم رمز، طلسم‌های اسلامی، امبرتو اکو.

مقدمه

در مواجهه با آثار هنر اسلامی مشاهده می‌کنیم که نقوش، فرم، رنگ، نورپردازی، شخصیت‌ها، ترکیب عناصر و کلیه اجزای دیگر اثر هنری به‌گونه‌ای متفاوت از دیگر آثار هنری تاریخ هنر جهان خلق شده‌اند؛ گویی که زبان بیانی هنرمند مسلمان در بازگو کردن روایت وی از عالم هستی از رمزگان ویژه‌ای بهره گرفته است. در جایگاهی که هنر خود نوعی معرفت است و هنرمند در نظری که به عالم هستی دارد، همواره در صدد کشف و ظهور و بروز مراتبی از پدیده‌های آن است. هنر اسلامی، ماهیتی دینی و معنوی دارد و نشان‌دهنده مفهومی است که از نامش بر می‌آید و چشمگیرترین جلوه زیباشناسی آن هماهنگی اجزای سازنده آن در جزء و کل است. در نگاه اسلام زیبایی ذاتاً تجلی حقیقتی کلی و جهانی است و هر پدیده‌ای به میزانی صفتی الهی را متجلی می‌کند که از توحید و شهود حاصل می‌شود. آنچه در این مباحث مورد مطالعه قرار می‌گیرد، مفهوم رمز در یکی از هنرهایی است که با موضوع و روح هنر اسلامی و ایرانی بروز بصری داشته است؛ یعنی تولیدات علوم غریبه در ادوار گذشته کل علوم به دو دسته مجزا تقسیم شده بود: ۱- جلیه، ۲- خفیه (یا علوم غریبه). علوم جلیه از قبیل هندسه، طب و منطق، قاعده و قانون معینی داشتند و در همه نقاط به‌طور یکسان تدریس می‌شدند. لیکن علوم خفیه یا غریبه از چنین روشی تبعیت نمی‌کرد و اسرار در سینه دانشمندان آن مکتوم بود. پایه علوم غریبه بر جاذبه‌های علمی و ریاضی نیز موجب شد تا برخی از دانشمندان به این علوم توجه خاصی داشته باشند. از همان سحرگاه تاریخ در یونان باستان به علوم غریبه و طلسمات نیز چون شاخه‌ای از علوم نگریسته شد. اشیاء اعتقادی نظیر حرزها، تعاویذ، طلسم‌ها و ... ، محصولات و تولیدات علوم غریبه محسوب می‌شوند. زبان این شاخه از هنرهای اسلامی؛ یعنی طلسمات، زبانی نمادین و رمزگونه است و این رموز و نمادها حامل معنای درونی و ذاتی این بخش از هنر اسلامی است. در واقع می‌توان گفت زبان نمادین، زبانی است که هنر در تمدن‌های دینی برمی‌گزیند و مفاهیم درونی خود را در قالب آن بیان می‌کند. یعنی مفاهیمی که به زبان مستقیم قابل بیان نیستند و زبان با همه محدودیت‌هایش قادر به انتقال این مفاهیم نیست، قالبی نمادین به خود می‌گیرند تا بتوانند خود را بیان کنند.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا در پژوهش پیش رو، معنای نمادین و رمزگونه هنر اسلامی و چرایی وجود چنین لسانی را برای این هنر مورد بررسی قرار می‌دهیم. سپس نمود این زبان رمزگون و نمادین را در طلسم‌های ایرانی- اسلامی مورد بررسی قرار خواهیم داد و معنای نمادین برخی نقوش، تصاویر و همچنین تأثیر عناصر طبیعت و ریشه‌های فرهنگی در این شاخه غنی از هنر اسلامی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. هدف پژوهش حاضر جست و جوی ابعاد جدیدی در این شاهکار هنر اسلامی با تکیه بر تجلی رمزپردازی در این آثار است که در پایان با بهره‌گیری از نظریه نشانه‌شناسی فرهنگی اکو، خاستگاه اعتقادی و فرهنگی این رمزگان مورد تحلیل و واکاوی ریشه‌ای قرار خواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

جایگاه سمبولیک و ارزش محتوایی نشانه‌ها در هنر اسلامی به مراتب بیشتر از ارزش بصری آن است. در این حوزه هنری با این که اصول زیبایی‌شناسی ویژه و مدونی جهت آرایش عناصر تصویری در سطح اثر به‌کار رفته است و همین نظام بصری مستحکم می‌باشد که حیرت شرق‌شناسان و متخصصان هنر اسلامی را به خود جلب کرده است، به نظر می‌رسد که مبانی اعتقادی و کاربرد رمزگونه اجزاء ترکیب از اهمیت بیشتری برخوردار است. نشانه‌های رمزی در تفکر اسلامی جایگاه خاصی دارند. در قرآن نشانه‌های متعددی برای اثبات موضوع‌های هستی بیان شده است. هر نشانه گواه بر ذات شهودی است. هنر زبان ترجمه عالم معنا و ملکوت هستی و بستر و عامل جریان معرفت و عرفان به دنیای حس و جهان محسوس است. هر شکل ظاهری به‌وسیله یک واقعیت درونی که همان ماهیت یا جوهر نهان و درونی آن است تکمیل می‌شود. ظاهر همان شکل ملموس و کمیت‌پذیر است که همه اشیاء دارند. برای شناخت هر شیء و یا رنگ نه فقط واقعیت ظاهری، بلکه باید واقعیت باطنی آن یا همان زیبایی ابدی هر چیز را جست و جو کرد که در آن نهان است. رمزپردازی جزئی از ساختار فرهنگ، اندیشه و تفکر بشر در تمامی ادوار محسوب می‌شود و تمام آیین‌های عبادی و نیایش‌های انسان از ابتدا آمیخته با این نمادهای رمزی بوده و به نحوی سمبولیک اجرا می‌شده است. حضور این عناصر رمزگون در هنر اسلامی ما را به سرچشمه‌های غنی حکمت و معرفت رهنمون می‌سازد، زیرا آثار هنری تمدن اسلامی چیزی جز بیان زیباشناسانه متون عرفانی و حکمت اسلامی نیست. زبان تمثیلی و نشانه‌های رمزی در طلسم‌های دوران درخشان اسلامی نیز به زیبایی مورد استفاده هنرمندان مسلمان قرار گرفته و می‌توان گفت که این آثار از حیث معنایی و همچنین از بُعد بصری نمونه‌های ارزشمند به‌جای مانده از دوران اسلامی هستند. طلسم‌های ایرانی- اسلامی به‌عنوان یکی از نمودهای بارز این امر، مفهوم نماد و رمز در هنر اسلامی را به نحوی شایسته متجلی می‌نمایند. براساس نظریات نشانه‌شناسی اکو می‌توان نتیجه گرفت که تبلور "رمز" در هنر ایرانی- اسلامی ریشه در بنیان‌های فرهنگی دارد که همواره تنگاتنگ مذهب بوده است، که وی با عبارت "رمزگذاری فرهنگی" از آن یاد می‌کند. هر چند خالقان این تصاویر هیچ‌گاه خود را هنرمند نمی‌پنداشتند و تصویری نداشتند که طرح‌های آن‌ها هنر محسوب می‌شود. آن‌ها در نهایت سادگی و در عین حال پیچیدگی با بیانی اسرارآمیز، تمام تلاش خود را می‌کردند تا اثری به تصویر بکشند که پیرو تعالیم اسلامی و فرهنگ دینی زمانه خود بوده و در عین حال متناسب با نیات و حالات مخاطب خویش باشد.

منابع:

قرآن کریم

- ارجمندی، مهدی. (۱۳۸۱). "زیبایی، قداست، دین"، فصلنامه هنر، شماره بیست و هشتم.
- استیور، دن. (۱۳۹۴). فلسفه زبان دینی، ترجمه ابوالفضل ساجدی، چاپ دوم، تهران: ادیان.
- اکو، امبرتو. (۱۳۷۷). نقد تحلیلی تصویر، ترجمه کاوه میرعباسی، فصلنامه عکاسنامه.

اکو، امبرتو. (۱۳۹۷). نشانه‌شناسی، ترجمه پیروز ایزدی، چاپ پنجم، تهران: نشر ثالث.

اکو، امبرتو. (۱۳۹۷). نشانه-تاریخ و تحلیل یک مفهوم، ترجمه مرضیه مهربانی، چاپ اول، تهران: علمی فرهنگی.

بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۵). هنر اسلامی زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش.

بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۶). هنر مقدس (اصول و روش‌ها)، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.

پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۶). رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی: تحلیلی از داستان‌های عرفانی - فلسفی ابن سینا و سهروردی، چاپ ششم، تهران: علمی- فرهنگی.

دهقان، مصطفی. (۱۳۸۶). جام نو و می کهن: مقالاتی از اصحاب حکمت خالده، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

رحمتی، انشاءالله. (۱۳۹۴). هنر و معنویت (مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت هنر)، چاپ دوم، تهران: متن.

ضمیران، محمد. (۱۳۸۵). امبرتو اکو و نشانه‌شناسی، مجله فرهنگی و هنری بخارا (ویژه‌نامه امبرتو اکو)، تهران، سال نهم، شماره ۵۲، ص ۲۲۲.

گرابار، اولگ. (۱۳۷۹). شکل‌گیری هنر اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، جلد اول، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نصر، سیدحسین. (۱۳۸۳). معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، چاپ سوم، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

نصر، سید حسین. (۱۳۷۵). هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: سوره.

نقی زاده، محمد. (۱۳۸۷). مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۳). انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانین، چاپ چهارم، تهران: جامی.

Eco, U. (1976). *A Theory of Semiotics*, Indiana University Press, Bloomington, London.

Guenon, R. (2001). "Symbols of Sacred Science". Sophia Perenis Hillsdele Ny.

Schuon.f. (1993). *The Transcendental unity of religions*. Quest books